



7 فبروری 2014

داکتر سید عبدالله کاظم

درسی که باید از گذشته آموخت:

درباره انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال 2009 (به استناد کتاب: کای آیدی: «مبارزه قدرت در افغانستان») Kai Eide: Power Struggle over Afghanistan

قسمت ششم

اختلاف کرزی با کای آیدی و امریکائی ها در ارتباط با نقش «جنگسالاران»

یکی از موضوعات بسیار جدی که بین کرزی و کای آیدی و نیز آیکن بیرری Eikenberry سفیر جدید امریکا در کابل اختلاف نظر را به وجود آورد، شمول مجدد یک عده شخصیت های مسما به «جنگسالاران» سابق به خصوص قسیم فهیم، رشید دوستم و اسماعیل خان در قدرت دولت بود که کرزی برای جلب رأی در انتخابات به نفع خود، آنها را شامل تیم خود ساخت و با وعده ای تفویض چند وزارت، ولایت و سفارت به وابستگان آنها یکنوع حکومت ائتلافی را با آنها مجدداً بنیاد گذاشت. کای آیدی و آیکن بیرری جداً مخالف حضور همچو اشخاص در مقامات عالییه دولت بودند و اصرار داشتند که باید بجای آنها از شخصیت های نیک نام، عاری از فساد و با کفایت افغان استفاده گردد. بازتاب این موضوع را کای آیدی در فصل بیستم کتاب خود گنجانیده است.

برای ریاست جمهوری در آغاز جمعاً 41 نفر کاندید ثبت نام کردند و اما بعد از بررسی کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات 32 نفر به لست نهائی راه یافتند که به نظر بعضی تحلیلگران آنها را میتوان بطور عموم به پنج دسته تقسیم کرد: گروه شهرت طلبان که فقط می خواستند در فهرست نامزدان ریاست جمهوری نام شان درج گردد؛ دسته دوم امتیاز طلبان که میخواستند با گرفتن امتیاز از نامزد برنده به نفع او کنار بروند؛ دسته سوم کسانی که از حمایت بعضی کشورهای عربی برخوردار بودند و تمایل به افکار آنها داشتند؛ دسته چهارم مشتمل بر کسانی بودند که حمایت کشورهای غربی را با خود داشتند اما در داخل قادر به کسب رأی لازم نبودند و بالاخره دسته پنجم که به حیث مخالف دولت (اپوزسیون) از آرای قومی زیاد مستفید بودند.

جنگسالاران سابق داخل صحنه میشوند

(فصل بیستم کتاب از صفحه 148 الی 158)

مترجم: داکتر کاظم

ما در یک مرحله جدید پروسه انتخابات داخل شده بودیم. تمرکز بر آن بود که چگونه شرایط مساوی را برای تمام کاندیدها مهیا ساخت. اصطلاح «میدان هموار» بین همه سخنی بود که نمایندگان بین المللی و افغانهای شامل مخالفان سیاسی (اپوزسیون) از آن صحبت میکردند. افغانها بهتر از نمایندگان خارجی میدانستند که این یک وظیفه

د پانو شمیره: له 1 تر 7

maqalat@afghan-german.de افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ

پاڼونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

تقریباً ناممکن است. آگاهی ما از جامعه افغانی و آنچه در دهات و محلات رخ میداد، محدود و همچنان غیرقابل دسترسی بود. لاکن ایجاد فضای اعتماد بسیار مهم بود که ما برای انجام این وظیفه آمادگی می گرفتیم. امید داشتیم که این زحمات ما مؤثر افتد و ترسی را که رأی دهندگان داشتند، مرفوع گردد. یوناما UNAMA یک تعداد طرز العمل ها را جهت رهنمائی کاندیدها و مقامات مربوطه طرح کرد و به رئیس جمهور و سائر کاندید ها ارائه نمود. کمسیون حقوق بشر افغانستان و یوناما تصمیم گرفتند تا جریان انتخابات را مشترکاً نظارت کنند و از یافته های خود بطور منظم گزارش دهند. من از رئیس جمهور تقاضا کردم تا با صدور یک فرمان از مداخله در امور انتخابات جلوگیری شود، طوریکه او در جریان انتخابات گذشته اینکار را کرده بود. هدف آن بود تا از سوء استفاده از مقام برای نفوذ در مبارزات انتخاباتی و نتایج آن بوسیله شخصیت های رسمی و ادارات افغان ممانعت بعمل آید. من قبل از صدور فرمان در موارد مختلف چندبار با رئیس جمهور صحبت کرده بودم. او قبل از امضا بیک نکته اصرار میکرد که جامعه بین المللی باید همچنان از مداخله در امور انتخابات اجتناب نماید. این تأکید بجا بود، طوریکه ما از آن تجربه داشتیم.

موقع آن رسیده بود تا کاندید ها خود را معرفی نمایند. همزمان با انتخابات ریاست جمهوری انتخابات شورای های ولایتی سی و چهار ولایت نیز رویدست بود. از آنجائیکه بیشترین توجه به انتخابات ریاست جمهوری مبذول بود، من نیز به آن موضوع بیشتر تمرکز خواهم کرد.

آخرین روز ثبت نام کاندیدها بتاریخ 8 می تعیین شده بود که بزودی فرا رسید. در بین کاندید های مخالف (اپوزسیون) واضحاً داکتر عبدالله یکی از مشهورترین آنها بشمار میرفت. او یکی از نزدیکان قوماندان فقید احمدشاه مسعود بود که بوسیله تیم گزارشگران تلویزیونی دو روز قبل از حادثه حمله بر دو عمارت مرکز تجارت جهانی در نیویارک کشته (شهید) شد. داکتر عبدالله همچنان به حیث وزیر خارجه کرسی تا سال 2005 کار کرد. بر علاوه آوازه ها درباره وزیر مالیه سابق اشرف غنی و انوار الحق احدی، وزیر داخله سابق علی احمد جلالی که در واشنگتن اقامت داشت، والی ننگرهار گل آقا شیرزی که یک شخص مقتدر و اما ظالم و پراز فساد و سابق والی قندهار و یک سیاستمدار مورد علاقه امریکائی ها بود که اینها نیز در جمله کاندید ها خواهند بود. گفته می شد که زلمی خلیزاد سابق سفیر امریکا در افغانستان و ملل متحد نیز کاندید خواهد بود. آیا ممکن خواهد بود که همه دور یک کاندید دیگر به غیر از داکتر عبدالله متحد شوند؟ اینکار بسیار غیر محتمل به نظر می آمد. اکثر کاندید های احتمالی درباره چانس خود نیز غیر واقعی فکر میکردند.

در بهار وضع کرسی نیز تغییر کرد. در اوایل سال او احساس خستگی میکرد و در یک موقف دفاعی قرار داشت، اما موفقیت تاکتیکی او در مبارزه برای تعیین وقت انتخابات، روحیه او را تقویه کرد و رئیس جمهور آماده مبارزه گردید. سه هفته قبل از بسر رسیدن ثبت نام کاندیدها، از من خواست تا به دیدنش بروم. او میخواست در باره اینکه کی ها را به حیث دو معاون خود معرفی کند، بامن مشوره نماید. او اولتر در باره معاون دوم خود به صحبت آغاز کرد: کریم خلیلی، یک هزاره که در این مقام برای پنج سال کار کرده بود. از نظر من کرسی در همکاری با او خوش بود و او یک شخصیت قابل نگرانی برای جامعه بین المللی نبود. کرسی از اشخاص برجسته و سیاستمداران دیگر هزاره که بیشتر جنجال برانگیز بودند، نیز یاد کرد، اما خلیلی به نظر من یکی از بهترین آنها بود. واضح بود که رئیس جمهور قبلاً تصمیم خود را گرفته بود که او را برای یک دوره دیگر با خود داشته باشد.

بعد قسمت مشکل موضوع مطرح شد: کرسی میخواست قسمی خان فهیم را به حیث معاون اول ریاست جمهوری کاندید کند. من در باره او چه فکر میکنم؟ فهیم یکی از جنگسالاران سابق بود که شمول او در معاملات مواد مخدر و تخطی از حقوق بشر بسیار متبارز بود. زیردستان فهیم حتی کرسی را در 1994 هنگامیکه او معین وزرات خارجه بود، مورد لت و کوب قرار داده بودند. فهیم یکی از متحدین اصلی امریکا در مبارزه جهت سقوط رژیم

د پانو شمیره: له 2 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکی په څیر و لولی

طالبان بود. او به حیث وزیر دفاع در دوره انتقالی کار کرد. کرزی او را پنج سال قبل برای مقام معاونیت دوم کاندید کرده بود، لکن جامعه بین المللی شدیداً در برابر او عکس العمل کرد و کرزی از آن منصرف شد. من برای کرزی گفتم که فکر نمیکنم که جامعه بین المللی از این انتخاب شما خوشنود شود. من از او یک روز وقت خواستم تا درباره نظر خود را بگویم.

این یک نقطه انعطاف در مناسبات من با کرزی بود. تا آنوقت من با او به حیث رئیس جمهور ارتباط میگرفتم. از آن به بعد مجبور بودم با او به حیث رئیس جمهور کرزی و کاندید کرزی معامله کنم. حفظ توازن در این کار بسیار مشکل بود. واضحاً این وظیفه من نبود که به کرزی مشوره میدادم که کی معاون او باشد. اما اگر کرزی برای بار دوم انتخاب می شد که بسیار احتمال چنین نتیجه از انتخابات موجود بود، ما مجبور بودیم با اشخاصی که او انتخاب کرده بود، کار کنیم. این مجاز بود و ضروری که او را از عاقبت آنده کاندید ها مطلع می ساختیم که آنها به فضای همکاری بین افغانستان و جامعه بین المللی صدمه میرسانیدند. من به قصر نمبر 7 برگشتم و موضوع را با دو سفیر مهم در میان گذاشتم. آنها حیرت زده شدند و قضیه را به من واگذار کردند تا نارضایتی شانرا با رئیس جمهور در میان بگذارم.

روز دیگر بازم با کرزی ملاقات کردم و موضوع کاندید شدن فهیم را یاد نمودم. به او گفتم که: «او یک آدم کش است» کرزی آنرا رد نکرد. برایش گفتم: «انتخاب فهیم به این مقام تأثیرات ناگوار بر روابط شما با همکاران بین المللی خواهد داشت و برخلاف آنچه خواهد بود که ما تحال بسمت مثبت آنرا تجربه کرده ایم یعنی تقرر آنده اعضای حکومت که طرفدار اصلاحات میباشند و خشنودی دوزنر ها که تحال به مشاهده میرسد». باز هم در ادامه گفتم: «چرا شما این همه خطرات را با انتخاب یکی از بدترین کاندید ها، کسیکه یکی از جنگسالاران سابق با گذشته ای خونبارو پر از تخطی و کسیکه موجب ادامه وضع جاری میگردد، قبول می کنید؟ پرسیدم که چرا شما شخصی را که باید از صحنه کنار برود، دوباره به صحنه می آورید؟ فهیم نه تنها موجب رنجش جامعه بین المللی شده، بلکه بسیاری از افغانها را که میخواهند جنگسالاران سابق و دلالان قدرت تجرید و کنار گذاشته شوند و برای سیاستمداران متعدد جای خالی گردد، نیز ناراضی خواهد ساخت. این موضوع بزودی بین ما به یک بحث دوجانبه تبدیل گردید. کرزی ادعا میکرد که فهیم یک بازیگر مهم در امور روزمره نخواهد بود که من از آن ناحیه ناراحت باشم، زیرا او نفوذ بر وزراً ندارد. علاوه به نظر او فهیم آنقدر بد نخواهد بود که من ابراز داشتم. من نظر او را رد کردم و اشاره به برداشت امریکائی ها در باره معاون رئیس جمهور کردم که آنها میگویند: «او فقط به اندازه یک ضربان قلب از دفتر رئیس جمهور فاصله دارد». هرگاه حادثه برای رئیس جمهور رخ دهد، در آنصورت فهیم متصدی تمام امور در حکومت خواهد شد. لذا او یقیناً یک بازیگر حاشیوی خواهد بود. کرزی این گفته را رد کرد و به قانون اساسی اشاره نمود و گفت: هرگاه رئیس جمهور بهر دلیل قادر به اجرای وظایف خود نباشد، انتخابات جدید باید در طول سه ماه صورت گیرد. البته که قانون اساسی چنین چیزی را حکم میکند، اما ما هر دو خوب میدانیم که رعایت این وقت ناممکن است و سازماندهی آن میتواند یک سال را دربر گیرد تا انتخابات در افغانستان امروز دائر شود.

معلوم می شد که کرزی تصمیم خود را گرفته و در برابر من تغییر نظر نمیدهد. سفیر آیکن بیری و من موافقه کردیم که باهم به دیدار رئیس جمهور برویم. موضوع عین چیز بود، جدا از اینکه کرزی اکنون این نظر را تردید میکرد که فهیم یک شخص مشکوک است. او اصرار داشت که فهیم یک شخص خوب است. امید من آن بود که حالا واشنگتن نیز در موضوع کاملاً دخیل گردیده بود. امیدوار بودم که نظر رئیس جمهور تغییر کند، قبل از آنکه بسیار دیر شده باشد. آیکن بیری بسیار محترمانه اما جدی و واضح پیام خود را رسانید. کرزی تکان نخورد و اما سفیر امریکا خواست آخرین کارت را که برای بازی داشت، رویدست گیرد و آن اینکه: کرزی به واشنگتن دعوت

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

شود. آیکن بیری خاطرنشان کرد که دیدار کرزی مفهوم نخواهد داشت هرگاه او قبل از سفر به واشنگتن انتخاب خود را اعلان کند.

پس از چند روز من با کرزی چندین بار دیگر ملاقات کردم، تنها و با آیکن بیری. معلوم می شد که رئیس جمهور میخواهد نظرش را به تعویق بیاندازد. هیلری کلنتن حالا نیز در موضوع دخیل شده بود. او با کرزی از طریق تلفون صحبت کرد و از او خواست که نظر خود را به تعویق اندازد. آیکن بیری و من بار دیگر به یک ملاقات با کرزی دعوت شدیم. معلوم می شد که این آخرین صحبت در موضوع بوده باشد، زیرا مجادله به پایان رسیده بود. کرزی ما را مطلع ساخت که او میخواهد در همان روز ثبت نام کند و فهیم و خلیلی دو کاندید به حیث معاون اول و دوم او خواهند بود. واضحاً کرزی عزم نداشت نظر خود را تغییر دهد و او سنجیده بود که بهتر است تصمیم خود را قبل از رفتن به واشنگتن اتخاذ نماید، تا اینکه همه بحث ها در آنجا بیشتر به همین یک موضوع محدود نماند.

من از این تصمیم کرزی خیلی مأیوس شده بودم. من یک سال انرژی و قدرتم را بخاطر رویکار آوردن سیاستمداران اصلاح طلب و تقویۀ آنها صرف کرده بودم و آرزو داشتم کرزی آنها را در اداره دولتی سهیم سازد. من فکر میکردم که این کوشش من یک کامیابی بزرگ را در قبال خواهد داشت. نامزد شدن فهیم به حیث معاون کرزی یک عقب نشینی بسیار جدی محسوب می شد. گزارش این مذاکرات در رسانه های افغانی و بین المللی به نشر رسید. من تأثر خود را نمیتوانستم پنهان کنم و اعلامیه های مبنی بر حمایت از هر جا از افغانهای آشنا و نا آشنا از سراسر کشور برایم میرسید.

دانستن منطق کرزی برایم مشکل نبود. حضور رأیدهندگان در ساحات پشتونها بسیار کم خواهد بود، زیرا در آنجا ها بیشترین برخوردها در جریان بود. بناً بسیاری از رأیدهندگان نمیتوانستند به مراکز رأی دهی بروند. اما جا های نیز وجود داشت که در آنجا رأیدهندگان به نفع او رأی میدادند. او هیچگاه نمیتوانست دوباره انتخاب شود، اگر او حمایت یک قسمت زیاد گروپ های قومی یعنی هزاره ها، تاجیکها و اوزبیک ها را بدست نمی آورد. کرزی حمایت سیاستمداران برجسته منسوب به اتحاد شمال سابق را ضرورت داشت. بسیاری آنها نمیتوانستند او را کمک کنند و یا کمک را برای او انجام دهند. یک عده سیاستمداران برجسته اتحاد شمال حمایت خود را از داکتر عبدالله اعلام کردند. انتخاب فهیم یک حرکت تاکتیکی مهم برای تدارک آرا به نفع کرزی بود. ما امیدوار بودیم که فهیم در طرح پالیسی ها نقش جدی نداشته باشد، اما خطر بسیار موجود بود که برعکس توقع ما فهیم به حیث یک مخالف قوی در برابر سیاستمداران اصلاح طلب که حالا شامل حکومت بودند، قرار گیرد.

(در اینجا کای آیدی از ملاقی شدن خود با فهیم ضمن دعوت نان چاشت بروز 28 اپریل سالگرد موفقیت مجاهدین به حیث یک خاطره یاد میکند که با موضوع انتخابات ارتباط ندارد و لذا از ترجمۀ آن پراگراف صرف نظر گردید و اما بعد)

با ختم پروسه ثبت نام ما داخل مرحله آخر آمادگی ها شدیم، قبل از آنکه مبارزات انتخاباتی آغاز گردد. لست کاندید ها باید بررسی میگردید تا اشخاصی که با گروپ های مسلح غیرقانونی ارتباط داشتند، از لست بیرون شوند. اینکار زیر نظر یکی از مشاوران بسیار باصلاحیت رئیس جمهور معصوم ستانکزی، رئیس کمیته خلع سلاح گروپ های مسلح غیرقانونی صورت میگرفت. ستانکزی یک شخصیت درست و دارای نظر واضح بود. بر علاوه مشاور امنیت ملی، وزیر دفاع و وزیر داخله و رئیس امنیت ملی با قوماندان آیساف و نماینده مخصوص ملل متحد در آن کمیته اشتراک داشتند بعد از آنکه معلومات لازم درباره کاندیدها جمع آوری شد، ستانکزی و تیم او یک لست اشخاصی را که مظنون به داشتن روابط با گروپ های مسلح غیرقانونی بودند، به ما ارائه کردند. مشاور امنیت ملی رسول (زلمی) ما را به جلسه آخر جهت بررسی آن لست دعوت کرد.

د پانو شمیره: له 4 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

من آخرین تلاش را کردم تا فهیم خان را که نامش در لست نبود، در لست کسانی که ملیشای غیرقانونی داشتند، شامل سازم. امرالله صالح یکی از نزدیکان فهیم مخالفت کرد و گفت که فهیم از مدتهاست که ملیشای غیر قانونی ندارد. تمام ملیشه های او در قوای رسمی ثبت شده اند. در بین دیگر کاندید های قبول شده نام کسانی نیز دیده می شدند که دارای سوابق تخلفات از حقوق بشر و بسته به تاجران مواد مخدر یا دست داشتن به فساد بودند. چطور ما میتوانستیم به همچو اشخاص اجازه دهیم که خود را بیک مقام انتخابی کاندید کنند؟ افغانهای دورمیز ناراحت بودند که نام کاندیدهای را می دیدند که نظر به اعمال گذشته شان باید خارج می شدند. اما مکلفیت ما فقط ارائه پیشنهاد خروج آنها به اساس ارتباط با گروه های مسلح غیرقانونی بود، باقی کارها به کمیون مستقل انتخابات ارتباط داشت و آنها نیز چانس بسیار برای خروج همچو اشخاص را از لست نداشتند. ما همه میدانستیم در بین کاندیدها اشخاص مجرم موجود بودند، اما آنها محاکمه نشده و حکمی درباره مجرمیت شان صادر نگردیده بود.

رئیس جمهور از لست اطلاع یافته بود. او در مورد خروج دو کاندید شورای ولایتی در هیلمند اعتراض کرد. آنها از جمله حامیان او بودند که میتوانستند رأی را برای او در این ولایت جنوبی جمع کنند، اما آنها با گروه های مسلح غیرقانونی ارتباط داشتند. کرزی ادعا میکرد که ایساف یعنی برتانوی ها که در هیلمند فعال بودند، در خروج این دو از لست دست دارند. در عین زمان او نام یک وزیر دفاع رژیم سابق کمونیستی شهناز تنی را نیز در جمله کاندید های تائید شده ریاست جمهوری مشاهده کرد. چطور ما این شخص را از لست بیرون نکرده بودیم؟ او مسئول قتل هزارها فرد ملکی بود. واقعاً این یک سؤال بجا و قانونی بود. هرگاه سیستم قضائی درست کار میکرد و اراده برای بازپرسی جرایم گذشته وجود میداشت، در آنصورت تنی و یک تعداد دیگر کاندیدها در لست بوده نمی توانستند. حالا مجرمین سابق هنوز هم حق داشتند خویشتن را به حیث کاندید در آینده معرفی نمایند.

در اثنای ملاقات در دفتر او با حضور بسیاری از وزرا و مشاورانش، رئیس جمهور تصریح کرد که او بصورت رسمی اعتراض خواهد کرد، بخصوص در برابر خروج دو کاندید از هیلمند. من به جوابش گفتم که تصمیم خروج آنها از لست بوسیله گروه افغانهای موجود، وزرا و مشاوران برجسته خود شما که بسیار شان در پیش روی شما نشسته اند، گرفته شده است. این یک مداخله خارجی نیست. من موافق بودم که برای بسیار آنها هیچوقت باید اجازه داده نمی شد تا برای احراز یک مقام عامه کاندید شوند، اما برای اینکار یک دلیل رسمی وجود نداشت. هرگاه او تصمیم میگرفت که نظر خود را در مورد مداخله بین المللی رسماً ابراز کند، اینکار مرا مجبور می ساخت تا مخالفت خود را با او بیان کنم. در آنصورت من با دعوت از رسانه ها می گفتم که این موضوع مسئولیت رئیس جمهور نیست، بلکه اینکار مربوط به گروه ما است که لست کسانی را که از کاندید شدن منع شوند ترتیب کنیم و کمیون انتخابات صلاحیت تصمیم نهائی را دارد.

خبر این مخالفت به سرعت به بعضی از همکاران بین المللی من رسید. آنها نگران بودند. ما نمی توانستیم تماس نزدیک را در مرحله حساس پروسه انتخابات با رئیس جمهور برقرار کنیم. چند روز بعد احساس کردیم که طوفان گذشته است، آنهم بخصوص در اثر زحمات ستانکزی که موفق شد کاندید ها را قانع سازد از اعتراض مبنی بر خروج شان صرف نظر کنند. اما ستانکزی تحت فشار بسیار جدی قرار داشت. گروه اشخاص سرشناس یکی بعد دیگر به او مراجعه میکردند و این یک فشار ساده نبود. در بین کسانی که برای قناعت دادن او آمدند، یکی هم «ضرار مقل» وزیر داخله سابق بود که برای حمایت از اشخاصی دست بکار شده بود که آنها شدیداً دخیل در جرایم سنگین بودند. ما حق داشتیم که از رئیس جمهور در سال گذشته تقاضای برکناری او را کنیم.

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در پایان 41 کاندید ثبت نام شدند و به مبارزه انتخاباتی برای مقام ریاست جمهوری اجازه یافتند، البته در پهلوی هزارها کاندید برای شورا های ولایتی. من برای رأی‌دهندگان که بیشتر شان بیسواد میباشند، متأسف بودم که با یک لست طویل چند صفحه ای همراه با فوتو و نام کاندید های ریاست جمهوری که آنها را هرگز ندیده و از زندگی شان اطلاعی ندارند، مواجه بودند. لست کاندید های شوراهای ولایتی به مراتب دراز تر بود. حتی در جوامع مدرن این یک مشکل بزرگ است. حالا مرحله چاپ تمام اوراق رأی دهی و مواد انتخاباتی باید شروع می شد. دو نیم ماه برای تدویر انتخابات باقی مانده بود و تمام مواد باید در خارج چاپ و بعد به کابل آورده شده و سپس به مراکز رأی‌دهی به تمام کشور توزیع میگردیدند. برایم مشکل بود که به کرزی تفهیم کنم که همه مواد باید از خارج به کشور آورده شوند. آیا واقعاً هیچیک از مواد در افغانستان چاپ شده نمیتوانست؟ من موضوع را از خود می پرسیدم. به قرار قوانین موسسه انکشافی ملل متحد، اینکار نباید در داخل کشور صورت گیرد. مرحله بعدی مشکل کمبود وقت بود.

من از اینکه فهیم به حیث معاون رئیس جمهور نامزد شده بود، ناراحت بودم و میلان منفی خود را نشان دادم، با آنکه میدانستم چرا رئیس جمهور او را انتخاب کرده است. چند روز قبل از روز انتخابات یک خبر بد دیگر نیز شایع گردید مبنی بر باز گشت یک جنگسالار مشهور عبدالرشید دوستم که بصورت اختیاری به ترکیه پناه برده بود، به مقصد آنکه از کرزی در انتخابات حمایت کند. دوستم در قساوت خود بسیار شهرت دارد، بمبارد کابل در سال 1994 یک حادثه فراموش ناشدنی بود. کرزی به کمک او بخاطر رأی اوزبیک ها در شمال نیاز داشت. در طول چند ملاقات در ماه اگست من و آیکن بیری از رئیس جمهور جداً خواهش کردیم که دوستم را دوباره برنگرداند، اما بزودی واضح شد که رئیس جمهور تصمیم خود را گرفته بود و هیچکس نمیتوانست به دلیل اصرار کرزی از بازگشت او جلوگیری کند. او یک تبعه افغان بود و هر وقت دلش میخواست به وطن می آمد. رئیس جمهور گفت که حتی او قدرت آنرا ندارد که مانع آمدن دوستم شود. بعدتر در یک شام هنگامیکه آخرین مناظره ریاست جمهوری بین کرزی، بشردوست و اشرف غنی در تلویزیون در جریان بود، دوستم در میدان هوایی کابل رسید و پس از توقف مختصر بطرف شمال حرکت کرد. افکارم مرا بسوی هفته های اول مواصلاتم به کابل برد، وقتیکه کرزی میخواست دوستم را بازداشت کند. از آنوقت کمتر از یکسال گذشته بود، اما ائتلاف در سیاست های افغانی به سرعت تغییر کرد.

فهیم خان مجدداً در صحنه آمد، دوستم از پناه گزینی برگشت و اسمعیل خان هنوز هم وزیر آب و انرژی بود. آنها سه جنگسالار برجسته بودند که اضلاع متحده امریکا در اثنای حمله نظامی در اواخر 2001 پس از حادثه 11 سپتمبر به آنها اتکا کرد. آنها همه در قساوت خود مشهور بودند. یک قسمت قابل الذکر جامعه بین المللی طی چندین سال از آنها حمایت کردند و به تقویه آنها و سائر جنگسالاران برجسته پرداختند. حالا آنها را کرزی برای انتخاب دوباره خود ضرورت دارد، ما احتجاج کردیم. چرا ما بجای تقویه، در مورد کنار زدن آنها در طول سالها اقدام نکردیم؟

در طول هفته ها و ماه های اخیر قبل از انتخابات یک جدال دیگر نیز موجب اختلال خاطر رئیس جمهور گردید و آن از ابراز نظر بعضی نمایندگان امریکائی و اروپائی مبنی بر فقدان توانائی رئیس جمهور در پیشبرد امور حکومت بود. آنها میخواستند تا یک مقام دیگر را همچو صدراعظم یعنی مسئول امور روزمره حکومت به وجود آورند. از آنجائیکه رئیس جمهور در عین زمان ریاست حکومت را نیز بعهده دارد و تعیین صدراعظم یا وزیر ارشد در قانون اساسی افغانستان پیشبینی نشده است، لذا باید یک بدیل دیگر برای آن پیدا شود. اوراق و نظریات فراوان در زمینه در کابل و همچنان در پایتخت های غربی در جریان افتاد که یک مقام ارشد اجرایی باید ایجاد گردد. حتی یک وزیر خارجه اروپائی خودش یک پیشنهاد تحریری مستقیم به کرزی ارائه کرد. بعضی پیشنهاد ها حاکی

د پانو شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

از آن بودند که صلاحیت عزل و نصب والی ها و سائر مأمورین کلیدی حکومت از رئیس جمهور سلب گردد. واضح بود که کرزی در برابر آن عکس العمل میکرد و او همچو پیشنهادها را یک نمونه دیگر از مداخله بوسیله جامعه بین المللی میدانست که به هدف تضعیف او بکار میرود.

کرزی این موضوع را با من چندبار مطرح کرد. من این پیشنهاد ها را بیهوده و مضر میدانستم. این وظیفه ما نبود که حکومت افغانستان را سازماندهی مجدد کنیم یا قدرت رئیس جمهور را محدود سازیم. این پیشنهاد هاچندان قابلیت توجه را نداشتند و تنها موجب رنجش مزید کرزی از شخصیت های مهم بین المللی می شدند. در اثنای یکی از ملاقاتها کرزی از من پرسید که در پی این همه نظریات چه هدفی نهفته است. من برایش گفتم که هردوی ما از از فقدان استعداد های اداری رنج می بریم. پیدا کردن یک راه حل برای بهبود بیشتر روابط حکومت یک کار خوب بود و می بایست بعد از انتخابات مطرح می شد. من از نمایندگان بین المللی خواهش کردم که به همجومباحثات پایان دهند. (پایان فصل)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پاروالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ